

An Examination of the Difference Between “Sample” and “Case” Concepts and Their Relations with “Design Research” in Landscape Architecture

Abstract

The two terms "sample" and "case" are widely used in the field of landscape architecture but there is rarely significant study on the meanings of these two common concepts. This research aims to verify the difference between the two concepts "sample" and "case" and examine their relationship with the paradigm of "design research" in the discipline of landscape architecture. The goal is to reduce theoretical difficulties and weaknesses in related terminology and research methodologies. The research strategy is logical argumentation. First, through documentary study, the main periods in which the terms appear in their context were extracted. Second, qualitative analysis and coding of this context, definitions were proposed to distinguish the terms. Third, through a questionnaire among students, the results of the second step were examined and finally a conclusion has been drawn, leading to conclusions. The documentary study results reveal that there is an important methodological and semantic difference between "sample" and "case," which can result in the extraction and separation of five different terms: "precedents," "example," "statistical sample," "case study," and "research case." However, this difference lacks clear verification and does not have intersubjective agreement among the respondents. According to the results, investigation of "cases" compared to "samples," due to their greater capacity to address diversity, complexity, and uncertainty, has a greater ability to integrate with research design, but a very small proportion of the respondents were familiar with the paradigm of research design. Considering the limited scope of the terms mentioned by the respondents and the incoherence in the difference between the meaning of "sample" and "case," it can be concluded that there is no comprehensive methodological vision. On the other hand, since superficial applications and imitation are the most frequent problems when using the concepts of case or sample, it can be concluded that the current status reflects the most basic level among five levels of progress for action in investigating these concepts. Results also indicate that extracting or verifying intersubjective terms remains difficult and requires further research and practical applications. Results also show that the findings regarding case study terminology and methodologies are still limited. A systematic review, researcher networks, continuous fieldwork, and training initiatives are now necessary to advance this field. It is necessary to avoid

Received: 2 Nov 2023

Received in revised form: 11 Dec 2023

Accepted: 13 Mar 2024

Seyed Amir Hashemi Zadegan¹  (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Landscape Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: hashemi.a@ut.ac.ir

Reza Kasravi² 

Assistant Professor, Department of Landscape Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: reza.kasravi@ut.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.378582.672989>

simplicistic interpretations of "sample" or "case" and instead aim for methodological and practical clarity. Both the "sample" and "case" have the potential to play a significant role in any lesson or experience through diverse forms and methods. The results confirm previous findings and highlight persistent weaknesses in this field. Finally, while the distinction and proposed terms did not achieve broad intersubjective agreement or verification, this study constructs a basis for dealing with the difference between "sample" and "case," which can serve as a foundation for future research.

Keywords

Theory, Case Study, Research Design, Landscape Architecture

Citation: Hashemi Zadegan, Seyed Amir; Kasravi, Reza (2024). An examination of the difference between “Sample” and “Case” concepts and their relations with “Design Research” in landscape architecture, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 29(1), 97-108. (in Persian)



تدقیق دو مفهوم «نمونه» و «مورد» و سنجش نسبت آن‌ها با «طراحی پژوهی» در معماری منظر

چکیده

اصطلاح «نمونه موردی» کاربرد زیادی در معماری منظر دارد. اما درباره مفهوم این اصطلاح مطالعه قابل توجهی انجام نشده است. تحقیق حاضر بر آن است تا ضمن تدقیق تفاوت دو مفهوم «نمونه» و «مورد»، به‌عنوان واژگان تشکیل‌دهنده اصطلاح فوق، ارتباط آن‌ها را با پارادایم «طراحی پژوهی» بسنجد. هدف، کاهش موانع نظری و ضعف اصطلاح‌شناسی است. راهبرد تحقیق استدلال منطقی است. نخست

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰
 تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳
 سیدامیر هاشمی‌زادگان^{۱*} (نویسنده مسئول): استادیار گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 E-mail: Hashemi.a@ut.ac.ir
 رضا کسروی^۲: استادیار گروه معماری منظر، دانشکده معماری دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 E-mail: Reza.kasravi@ut.ac.ir
 DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.378582.672989>

با مطالعه کتابخانه‌ای، دوره‌های اصلی که معنای واژه‌ها در بستر آن‌ها بروز می‌یابد استخراج شده است. دوم، با تحلیل محتوای کیفی این دوران‌ها، تعاریفی برای تشخیص تفاوت اصطلاحات پیشنهاد شده است. سوم با تکمیل پرسش‌نامه از میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی، که تحت تعلیم استادان مختلفی در طی تحصیل‌شان بوده‌اند، نتایج مرحله دوم بررسی و نهایتاً نتیجه‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد بین «نمونه» و «مورد» تفاوت معنایی مهم روش‌شناختی وجود دارد که حداقل می‌تواند منجر به تفکیک پنج اصطلاح «پیشینه‌ها»، «نمونه موردی»، «نمونه آماری»، «مورد پژوهشی» و «مورد پژوهی» گردد ولی این تفاوت معنایی نزد پاسخ‌دهندگان کم‌رنگ و فاقد وجه بین‌الذهانی است. «مطالعه موردها» در مقایسه با «مطالعه نمونه‌ها»، به سبب وجود ظرفیت‌های بالا برای مواجه شدن با گوناگونی، پیچیدگی و نامعلومی، توان بیشتری برای ادغام با طراحی پژوهی دارد؛ ولی بخش بسیار اندکی از پاسخ‌دهندگان با مفهوم طراحی پژوهی آشنا هستند.

واژه‌های کلیدی

نظریه، مطالعه موردی، طراحی پژوهی، معماری منظر، روش‌شناسی

استناد: هاشمی‌زادگان، سیدامیر؛ کسروی، رضا (۱۴۰۳)، تدقیق دو مفهوم «نمونه» و «مورد» و سنجش نسبت آن‌ها با «طراحی پژوهی» در معماری منظر، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹(۱)، ۹۷-۱۰۸.

مقدمه

بدین منظور پرسش‌نامه‌ای شامل ۸ سؤال تهیه شد. سؤال اول مربوط به تشخیص تأثیر مقطع تحصیلی در انتخاب‌ها است. سؤال دوم به صورت غیر مستقیم بر اساس پژوهش ملک افضلی (۱۳۹۹) نشان‌دهنده دیدگاه پاسخ دهنده درباره شیوه برخوردش با مطالعه موردی است. به این ترتیب که اگر گزینه‌های یک تا چهار انتخاب شود یعنی رفتار پاسخ‌دهنده آموزشی و اگر پنج تا هفت انتخاب شود یعنی رفتار او پژوهشی است. سؤال سوم به دنبال تفاوت قائل شدن یا نشدن پاسخ‌دهنده بین «نمونه» و «مورد» است. سؤال چهارم درباره واژگانی است که پاسخ‌دهنده در این حوزه می‌شناسد. پاسخ این سؤال مشخص‌کننده دایره واژگان پاسخ‌دهنده در زمینه روش‌شناسی مطالعه موردی است. سؤال پنجم درباره آشنا بودن با مفهوم «طراحی پژوهی» است. هدف از این سؤال سنجش میزان آشنایی پاسخ‌دهندگان با پارادایم‌های جدید حوزه روش‌شناسی تحقیق خصوصاً در هنر است. سؤال ششم با هدف سنجش اشکالاتی طرح شده است که پاسخ‌دهندگان در حین مطالعه موردی تجربه کرده‌اند. نهایتاً در سؤال‌های هفت و هشت به ترتیب، به صورت جورچین، ارتباط «واژگان پیشنهادی حاصل از تحلیل محتوا» با «دوره‌ها» و «معناها» نزد پاسخ‌دهندگان سنجیده شده است. هدف از این سؤال سنجش میزان مقبولیت یا بین‌الذهانی بودن نتایج است.

پیشینه پژوهش

در منابع انگلیسی زبان به وجود ابهام و ضعف در به کارگیری مطالعه موردی در معماری اشاره و درباره آن تحقیق شده است ولی مشخص نیست در ایران اصطلاح «نمونه موردی» به کدام یک از انواع آن مربوط است. در این میان تحقیقی که مستقیماً به رفع ابهام از اصطلاح نمونه موردی پرداخته باشد مشاهده نمی‌شود. از آنجا که خاستگاه مفهوم کیس استادی^۵ مطالعات انجام‌شده در زبان انگلیسی به عنوان زبان مبدأ است، گوناگونی و پراکندگی استفاده از کلمات و اصطلاحات این حوزه از جمله نمونه موردی، مورد و نمونه را باید مبتلا به زبان مقصد، در اینجا فارسی، دانست.

با ملاحظه مجموعه تحقیقات گذشته می‌توان گفت در دو گروه، رد پای وجود تفاوت معنایی میان نمونه و مورد قابل مشاهده است (تصویر ۱): اول «حرفه‌مندان متمرکز بر کار حرفه‌ای» و دوم «اندیشمندان متمرکز بر نظریه». به نظر می‌رسد منشأ این تفکیک، تفاوت قائل شدن بین مفهوم تحقیق برای پروژه^۶ با پروژه تحقیقاتی^۷ (Bruns et al., 2017, 13) و به عبارت دیگر، متفاوت دانستن طراحی تفریدی^۸ با تعمیمی^۹ باشد (گروت و وانگ، ۱۳۹۱). تحقیقاتی که انجام شده‌اند در ابتدا حوزه‌های مختلف را از هم تفکیک کرده‌اند؛ مثلاً از تفکیک دو حوزه «آموزش» و «تحقیق» یا از حوزه‌های شش‌گانه سخن گفته و سپس به ابهام‌زدایی و آسیب‌شناسی مورد نظر خود درباره مطالعه موردی پرداخته‌اند. در واقع اولین عامل جداکننده معنایی، «آموزشی» یا «تحقیقی» بودن است. یعنی آیا فراتر از کار منفردی که انجام می‌شود تلاشی برای تعمیم‌پذیری نتایج و مسلح کردن برای اقدام در شرایط و حالت‌های دیگر نیز صورت می‌گیرد یا خیر؟ (Deming & Swaffield, 2011, 51).

در این راستا تاکنون تمرکز برخی محققان بر مفهوم پیشینه^{۱۰} به معنای خاصی که در حوزه طراحی معماری دارد بوده و برخی دیگر از آن بر مفهوم مطالعه موردی^{۱۱} به معنای عامی که در روش‌شناسی تحقیق

از اصطلاح «نمونه موردی» در زمینه تحقیق و طراحی معماری ایران فراوان استفاده می‌شود. اما تعدد شکل‌های بکارگیری آن باعث شده تا از این اصطلاح، برای اشاره به معنای مختلفی که بعضاً کم‌ترین قرابت معنایی را دارند استفاده شود. این وضعیت از جنبه واژه‌شناختی مانعی برای توسعه و انتقال دانش روش‌شناختی مرتبط به شمار می‌رود که اهمیت و ضرورت پرداختن به این مشکل، از طریق تبیین دو نکته روشن‌تر می‌شود. نخست آنکه این اصطلاح متشکل از دو واژه «نمونه» و «مورد» است که هر یک از آن‌ها خود معانی مختلفی را به ذهن متبادر می‌کنند. برای مثال واژه نمونه می‌تواند معادل سمپل^۱، آگزامپل^۲، یا پرسیدنیز^۳ باشد که مرز روشنی با مورد که معادل کیس^۴ است ندارد. دوم اینکه در سال‌های اخیر، با ساخت ترکیبات جدید این دو واژه با کلماتی نظیر آماری، مطالعه، پژوهش، کاوش، طراحی و غیره نیز به دامنه اصطلاحات این زمینه اضافه شده است. این در حالی است که تفاوت معنایی این اصطلاحات در دیسپلین معماری منظر به‌طور خاص بررسی نشده است. از این رو پرسش تحقیق حاضر تفاوت معنایی دو واژه پایه نمونه و مورد و نقشی است که در ساخت دیگر اصطلاحات مرتبط دارند و نسبتی است که با طراحی پژوهی می‌یابند.

روش پژوهش

رویکرد تحقیق حاضر، کیفی از نوع استدلال منطقی و شامل دو قسمت اصلی است. در قسمت اول، ابتدا آراء و تعاریف صاحب‌نظران درباره وجوه مسئله از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جست‌وجو و سپس رخدادهای مورد تأکید آن‌ها بر اساس ترتیب‌بندی معنایی و زمانی کدگذاری شده است. این جست‌وجو در سه سرفصل «نظریه»، «طراحی» و «مطالعه موردی» به‌عنوان سازه‌های تشکل دهنده پرسش تحقیق انجام شده است. چرا که پیشینه تحقیق نشان می‌دهد در متون روش‌شناسی مربوط به زبان انگلیسی این سه اصطلاح پرکاربرد هستند. در ادامه، با برهم‌نهادن کدگذاری‌های موصوف، به‌واسطه آشکار شدن شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، بازه‌های متفاوت معنایی، که واژه‌ها در بسترشان بروز می‌یابند، شناسایی شده‌اند. به کمک این تطبیق و تحلیل محتوا، تعاریفی برای نشان دادن تفاوت «نمونه» و «مورد» و ترکیب‌های آن‌ها در نسبت با طراحی پژوهی در معماری منظر ارائه و ترکیبات واژگانی که نزدیک‌ترین تناسب معنایی با آن‌ها دارند پیشنهاد شده است.

بعد از انجام تحلیل محتوای موصوف، در قسمت دوم برای راستی‌آزمایی و سنجش توجیه‌پذیری نتایج و میزان بین‌الذهانی بودن آن این بار پرسش‌نامه‌ای کیفی تهیه شده است. در واقع از طریق پرسش‌نامه، پاسخ پرسش‌های تحقیق که پیش‌تر در قسمت اول مشخص شده بود، در این قسمت مجدداً به صورت مستقیم و غیرمستقیم از پاسخ‌دهندگان دریافت شده‌اند. پاسخ‌دهندگان از میان دانشجویان و دانش‌آموختگان دکتری و کارشناسی ارشد دانشکده معماری دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت و بین‌المللی امام خمینی^(۱۰) قزوین انتخاب شده‌اند. علت انتخاب دانشجویان به‌عنوان جامعه آماری مقاله این بوده که بیش‌ترین محتوای نظری این حوزه را مدرسان این حوزه تولید کرده‌اند و از این رو پاسخ‌های دانشجویان به پرسش‌نامه پیشاپیش، حاوی نظرات استادان و علاوه بر آن منعکس‌کننده این نظرات، به صورت عملی و در تنوع و تعداد بیشتر است.

انسانی و هنر می‌داند به نحوی که در هیچ یک فرو نمی‌غلند (Thompson, 2017, 53). او صریحا اعلام می‌کند که امروزه معماری منظر به معنای «اثبات‌گرایی» آن بی‌معنا است و اکنون در میانه جنگ بین «یعنی‌گرایی» و «ذهنی‌گرایی» (Ibid., 45) قرار دارد. به تعبیر دیگر، ستیزی که میان «هرمنوتیکی‌های پسا‌ساختارگرا» و «آوانگاردهای برساخت‌گرا» (Armstrong, 2000, 4)، یا نظریه‌های «بازنمایی» و «غیربازنمایی» (Corner, 1992, 154-157; Thompson, 2017, 38) جریان دارد.

از نظر تامسون (Thompson, 2017) از دهه ۸۰ م. «ایسم‌ها» و «لوژی‌های» متعددی در معماری منظر مطرح شده است. ولی در میان همه آن‌ها، «پدیدارشناسی» نقطه مشترک برجسته‌ای است که نشان از نقش حذف‌نشده فاعل‌شناسا و اجتناب‌ناپذیری تفسیر در منظر دارد. از این رو است که نظریه‌های اثبات‌گرا برای معماری منظر مناسب نیستند. یعنی تحقیق و دانش در معماری منظر مشروط، موقعیتی و برساختی^{۱۲} است نه مطلق، جهان‌شمول و مستقل (Meyer, 1997). به تعبیر ژیرو (Girot et al., 2013) انضمامی است (نه انتزاعی)، مدام در تغییر است، قطعیت ندارد و طراحی پایه است؛ هر چند از علوم روز استفاده می‌کند. معماری منظر به جای دوقطبی‌سازی، با در میان گذاشتن مشکل واقعی که مشترک است (Tobi & Van den Brink, 2017)، با ترکیب و امتزاج وارد فضای سوم می‌شود (Armstrong, 2000, 3). در واقع معماری منظر در نسبی‌نگری به مثابه نوعی انفعال نیز باقی نمی‌ماند و بر لزوم کنش‌گری و سوگیری تأکید دارد.

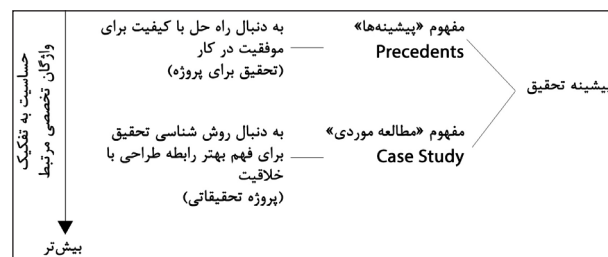
اما باید توجه داشت که پرسش‌هایی از قبیل «کیفیت این ترکیب چگونه است؟ تا کجا می‌توان آن را تغییر داد؟ سوگیری و بی‌طرفی چه نسبتی با هم دارند؟ و معیار تمیز دادن دانش از خرافات و فریب چیست؟»، شروع بروز تفاوت‌ها از نقطه‌ای مشترک است. ریشه این تفاوت مربوط به دگرگونی‌های مفهومی دربارهٔ قصدمندی، هویت، قطعیت، علیت و نقش انسان در حقیقت است که همچنان موضوعاتی بحث‌برانگیز هستند. در بیانی ساده، تفاوت بر سر این است که آیا می‌توان یا لزومی هست که فاعل‌شناسای مسلط کنونی را که همچون یک ساختار، امکان‌بازنمایی و پدیدارشدن عالم را می‌دهد، براندازی کرد یا خیر؟ تفاوتی که متناسب با نظریه‌پردازی‌های جدید دربارهٔ معنای هنر و پارادایم‌های جدید دانش باعث بحث دربارهٔ این پرسش شده است که برای تشخیص نبودن نظریه، اولویت با معیار «فایده» داشتن است یا با معیار «شمردن شمرده‌نشده‌ها»؟ (Boano, 2017).

در تصویر (۲)، خلاصه کرانه‌های طی شده از زمان شکل‌گیری معماری منظر تا اتخاذ رویکردهای ترکیبی غیردوقطبی و جدال‌های مرتبط برای تولید دانش به‌مثابه یک دیسپلین توانا در جهان امروز به ترتیب معنایی و زمانی نشان داده شده است.

کرانه‌های طراحی

در منابع انگلیسی‌زبان، افراد شناخته‌شده‌ای مانند لونوتر و المستند و جانشینان آن‌ها بنیان‌گذاران معماری منظر به شکل امروزی هستند که با طراحی به نیازهای مردم برای استفاده از منظر پاسخ می‌دادند. آن‌ها دانش ضمنی و موقعیتی موفقی تولید کرده بودند ولی با پیچیده‌شدن مسائل لازم آمد تا تحقیق و طراحی شانه‌به‌شانه هم حرکت کنند (Swaen, 2013; Groat & Wang, 2017; Bruns et al., 2002, filed). از آنجا

دارد متمرکز بوده‌اند. دغدغه محققان نوع اول، بیشتر موضوع «راه‌حل باکیفیت» یا «خلاقیت حرفه‌ای برای موفقیت دانشجویان یا معماران در کار خود» به‌مثابه «تحقیق برای پروژه» بوده است، نه دغدغه روش‌شناسی تحقیق و رابطه آن با طراحی و خلاقیت در قالب پروژه تحقیقاتی (محمودی و ذاکری، ۱۳۹۰؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ محمودی و ناری‌قمی، ۱۳۹۳؛ خزاعی و خالویی، ۱۳۹۵؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۵؛ Francis, 1999). به‌علاوه نزد محققان نوع اول که عمدتا فارسی‌زبان هستند، در مقایسه با محققان نوع دوم، دقت در تفکیک دو مفهوم خاص نمونه و مورد دیده نمی‌شود. البته برای محققان نوع دوم نیز این دوواژه در کنار گروه مفاهیم دیگری با منظوره‌های مختلفی قرار می‌گیرند و اصطلاح فنی ثابتی از آن‌ها برداشت نمی‌شود؛ اما دقت نظری آن‌ها برای مقایسه، تدقیق و استخراج تفاوت‌های ضمنی احتمالی بین اصطلاحات بیشتر است (Deming & Groat & Wang, 2013; Svengren, 1993; Langrish, 2003; Johansson, 2011; Swaffield, 2018; Sarvimaki, 1993; Swaffield, 2017؛ هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۷؛ ملک‌افضلی، ۱۳۹۹).



تصویر ۱. گروه‌بندی پیشینه پژوهش.

مبانی نظری پژوهش

کرانه‌های نظریه

تا پیش از سال ۱۹۰۰ م. که آموزش دانشگاهی رشته معماری منظر شروع شد، معماران منظر به‌عنوان شاگرد یا کارآموز حرفه‌مندان آموزش می‌دیدند. از نیمه دوم قرن بیستم بود که به تدریج معماری منظر به‌مثابه یک دیسپلین، تحقیق و ساخت نظریه را شروع کرد (Van den Brink et al., 2017). از نظر سوافیلد (Swaffield, 2002) تفکر دربارهٔ ماهیت نظریه در معماری منظر در دو نوبت رخ داده است. بار اول در دهه ۱۹۴۰ به‌عنوان بخشی از انقلاب مدرنیستی در برابر سنت غالب هنرهای زیبا و بار دوم در اواخر دهه ۱۹۸۰ در قالب اندیشه‌های پسا‌ساختارگرا. در طی این سال‌ها دیسپلین منظر گاهی به سمت علوم طبیعی و تحقیق‌های اثبات‌گرا و گاهی به سمت علوم انسانی و هنر متمایل شده است.

امروزه موضع معماری منظر در بحث فرض‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را می‌توان در مجموع، شمول‌گرایی دانست (Thompson, 2002; Deming & Swaffield, 2011; Swaffield, 2017; son, 2017). یعنی معماری منظر به‌جای انتخاب یک پارادایم مسلط، به دنبال انتخاب‌هایی ترکیبی است که یک سر آن «ساده‌سازی و تجزیه و جوه منظر متناسب با اصول جهان‌شمول» و سر دیگر آن «متناسب با طبیعت ساخت اجتماعی منظر» است (Lenzholzer et al., 2017). به عبارت دیگر، طیفی از «تثبیت» تا «براندازی» (Corner, 1990). تامسون این وضعیت را قرارگیری در جایی در مرز میان علوم طبیعی، علوم اجتماعی، علوم

توجه به مفهوم طراحی پژوهی در دیسپلین‌های طراحی و به‌طور خاص در معماری منظر برای بازکردن افق‌های جدید نظریه و مواجهه با پیچیدگی و عدم قطعیت، کرانه‌های متعددی را چنان که در این بخش تشریح شد طی کرده است. خلاصه این کرانه‌های متعدد به ترتیب معنایی و زمانی در تصویر (۳) نشان داده شده است.

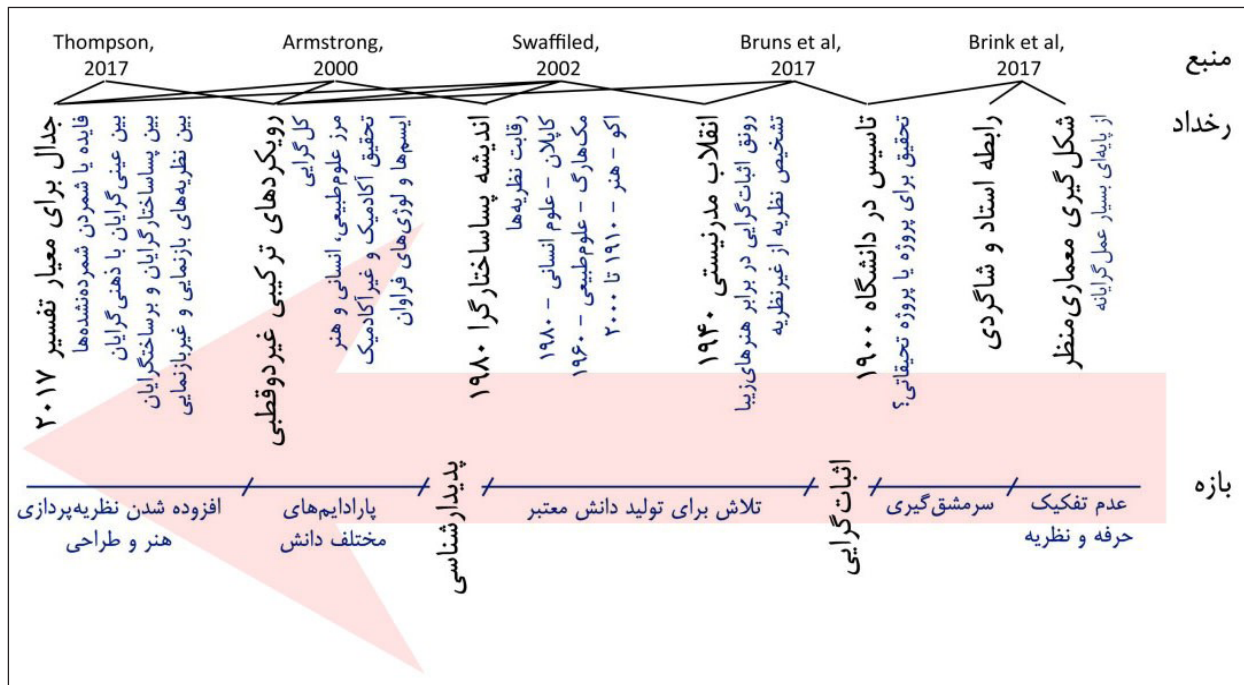
کرانه‌های مطالعه موردی

در معماری منظر استفاده از پیشینه‌ها بدون آن که نامی برای این اقدام وجود داشته باشد، سابقه طولانی دارد. اولین شکل از مستندسازی نظام‌مند در معماری منظر را می‌توان در زمان المستد دید (Francis, 1999). امروزه مطالعه موردی در معماری منظر رایج است و حداقل شش حوزه آموزش، تحقیق، عمل، نظریه‌سازی، نقد، و ارتباط را در بر می‌گیرد (Francis, 1999; Swaffield, 2017). با این وجود سوافیلد (Swaffield, 2017) طریقه انتخاب و انجام مطالعه موردی نزد محققان معماری منظر را مناسب نمی‌داند. او تأکید دارد به‌جای تمرکز بر سرمشق‌های آموزشی یا حرفه‌ای به‌مثابه نمایش یک گزاره یا مصداق، باید بر استفاده از موردها به‌مثابه تحقیق تمرکز کرد. رفع این کاستی نیازمند توجه به روش‌شناسی مطالعه موردی از جمله منطق انتخاب موردها و مکانیزم تحلیل و تعمیم یافته‌ها است.

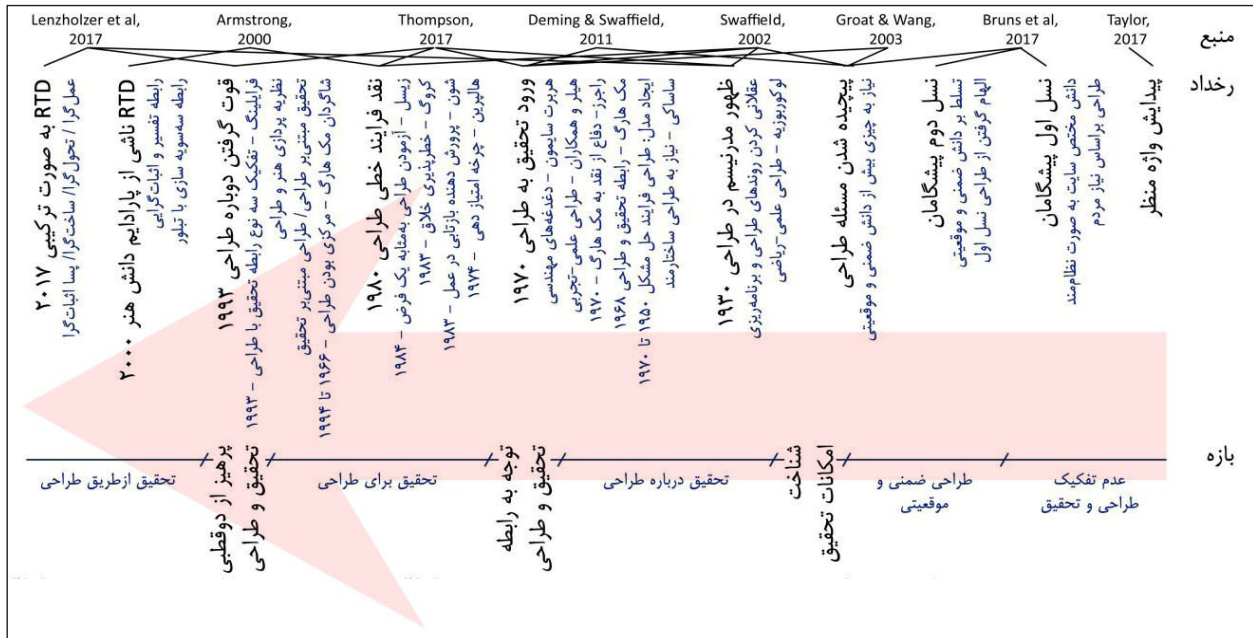
به گفته جانسون (Johansson, 2003) اگرچه مطالعه موردی در آغاز با رویکرد کیفی علوم انسانی به‌عنوان نوعی روش تحقیق رسمیت یافت اما تفاوت آن با سایر رویکردهای تحقیق در کمی و کیفی بودن نیست. بعد از جنگ جهانی دوم، دوقطبی اثبات‌گرایی و ضداثبات‌گرایی در علوم اجتماعی شکل گرفت. بدین معنی که عده‌ای مسائل اجتماعی را با روش‌های علوم طبیعی و پیش‌فرض‌های اثبات‌گرایی و عده‌ای از درون با فعالیت‌های علوم انسانی بررسی می‌کردند. شروع تفاوت معنایی دوواژه

که دیسپلین‌های طراحی متمرکز بر انجام کارهای خلاق هستند، علمی بودن آن‌ها اغلب در مراکز دانشگاهی محل بحث بوده است، به‌طوری که در بسیاری محافل رسمی، هنرها همچنان جزء علم شناخته نمی‌شوند. اما از طرفی، هنرها دیگر فقط وام‌گیرنده علوم طبیعی و انسانی نیستند و پارادایم خود را نیز ارائه می‌کنند. مثلاً طراحی پژوهی حاصل فعالیت هنرهاست که به سایر دیسپلین‌ها نیز معرفی شده است (Armstrong, 2000). طراحی پژوهی به تحقیق‌هایی گفته می‌شود که کنش یا اقدام طراحی کردن به‌مثابه یک فعل^{۱۳} و نه یک اسم^{۱۴}، بخشی جدایی‌ناپذیر از روند انجام آن است (Lenzholzer et al., 2017; Bruns et al., 2017). امروزه دقت در رابطه تحقیق و طراحی به‌شدت در حال افزایش است (Crilly, 2019).

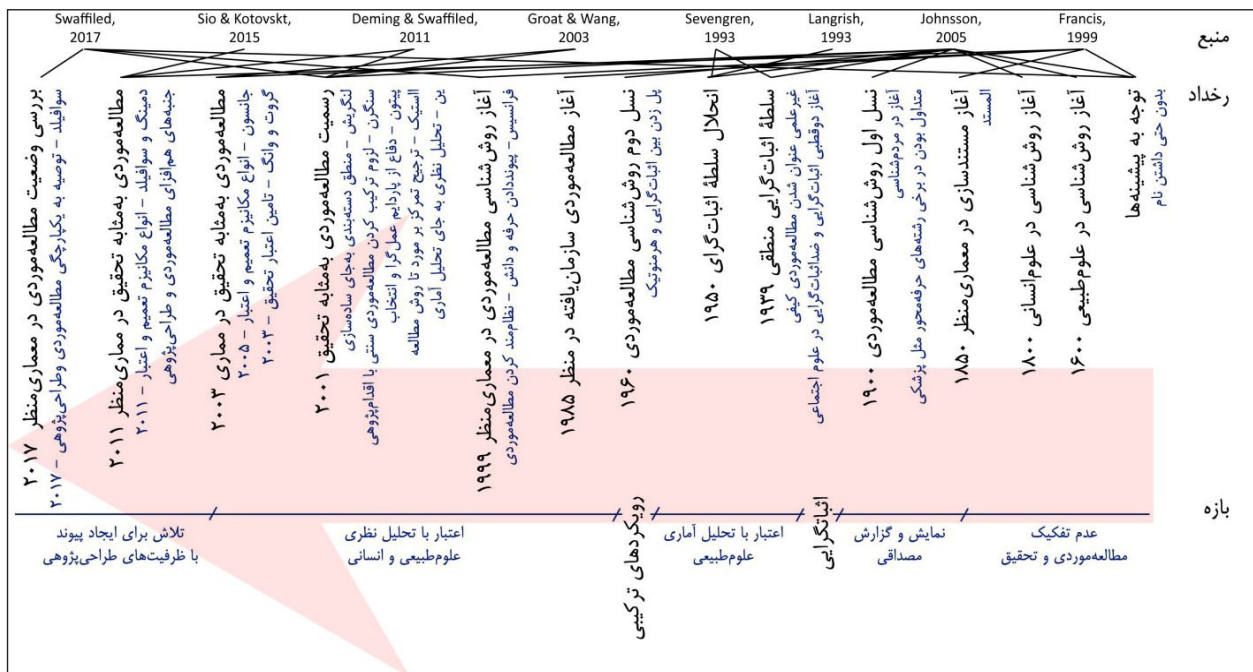
رابطه تحقیق و طراحی از دهه ۱۹۷۰ مطرح شده و فرایلینگ در ۱۹۹۳ به‌عنوان نظریه‌پرداز هنر و طراحی از سه نوع رابطه مختلف بین آن‌ها سخن می‌گوید: «تحقیق درباره طراحی»، «تحقیق برای طراحی» و تحقیق از طریق طراحی^{۱۵}. در این بین آنچه بیشتر به‌عنوان طراحی پژوهی مطرح می‌شود، نوع سوم است (Lenzholzer et al., 2017; Deming & Swaffield, 2011). در طراحی پژوهی، تحقیق و طراحی نه‌تنها با هم ضدیت ندارند بلکه هیچ‌یک بر دیگری ارجحیت یا تقدم نیز ندارد (Lenzholzer et al., 2017). در طراحی پژوهی، رابطه محقق با موضوع تحقیق معمولاً به‌صورت غوطه‌وری^{۱۶} و در تحقیق در معنای رایج، این رابطه به‌صورت مشاهده مستقل از بیرون است. طراحی پژوهی نه استقرایی و نه استنتاجی بلکه رفت‌وبرگشتی و از این‌رو اقدامی در لحظه و مبتنی بر استدلال بهترین تبیین^{۱۷} است. در واقع طراحی پژوهی نوعی تحقیق مطالعه موردی است و بسط‌پذیری یافته‌های آن مشابه مزیت‌ها و محدودیت‌های تمام تحقیق‌های مطالعه موردی است (Deming & Swaffield, 2011, 207).



تصویر ۲. کرانه‌های نظریه.



تصویر ۳. کرانه‌های طراحی.



تصویر ۴. کرانه‌های مطالعه‌موردی.

طریق مطالعه‌موردی صریحا به‌جای «نمونه‌گیری متعدد برای دست‌یابی به قانونی جهان‌شمول»، از لزوم «بررسی پدیدارها در بافتار واقعی و پیچیده‌شان برای بررسی حتی یک تک مورد» نه به شکل تعمیم آماری بلکه با تعمیم نظری متمرکز شدند (Groat & Wang, 2013; Deming & Swaffield, 2011; Swaffield, 2017; Yin, 1994; Johansson, 2003).

بدین ترتیب اگرچه از سال ۱۹۰۰ مطالعه موردی به‌عنوان یک بررسی حرفه‌محور و از سال ۱۹۶۰ به‌عنوان یک تحقیق نرم و مقدمه برای

نمونه و مورد را می‌توان از همین نقطه دانست. جایی که به تعبیر لانگریش (Langrish, 1993) دو نگاه متفاوت درباره مفهوم تصادفی بودن^{۱۸} و نظام علت و معلولی^{۱۹} مطرح شد. نگاهی که از طریق نظریه آمار و احتمال^{۲۰} مطرح در فیزیک، تصادفی بودن را به معادلات احتمال و ریاضی کاهش می‌دهد و چیزها را ناشی از وقایع قبلی می‌بیند؛ و نگاهی که از طریق غایت‌شناسی^{۲۱} موجود در زیست‌شناسی، تصادفی بودن را مطیع انتخاب می‌کند و چیزها را ناشی از اهدافشان می‌بیند (Ibid., 358). پس از کاهش سلطه اثبات‌گرایی در دهه ۱۹۵۰، طرفداران تحقیق از

نیازهای مردم درباره منظر، دو فعالیت رایج در معماری منظر هستند. البته هردوی این فعالیت‌ها در ابتدا، یک رویکرد تحقیق معتبر با نتایج تعمیم‌پذیر به‌شمار نمی‌آمده‌اند. در نتیجه رویاروشدن با مسائل علوم انسانی (Jo-2003, hansson) و هنری (Armstrong, 2000) بود که این دو فعالیت توانستند به تدریج همراه با «تغییر پارادایم‌های دانش» از یک سو و «تلاش برای ارائه استدلال و افزایش وضوح روش‌شناختی» از سوی دیگر خود را به‌عنوان راهبردهایی دارای ظرفیت بالا برای تحقیق در مسائل پیچیده نشان دهند.

بر مبنای این سیر (تصویر ۵) می‌توان گفت که مکانیزم تحلیل‌های آماری، نیازمند بررسی تعداد زیادی از «نمونه»ها است. یعنی تحلیل آماری با یک یا چند «مورد» ممکن نیست. اما چون مفهوم عینیت به مثابه چیزی مطلق در همه چیز، به تدریج اشتباه به‌نظر رسید و عینیت، خود به مثابه چیزی مملو از ارزش‌گذاری دانسته شد، پیش‌فرض نرمال بودن جامعه برای تحلیل آماری از طریق «نمونه» در مسائل انسانی به چالش کشیده شد. در واقع هر «مورد» تفاوت‌های مهمی با «مورد» دیگر یا «خود در حالتی دیگر» دارد که اگر با آن به‌عنوان «نمونه» برخورد شود، آن تفاوت‌ها نادیده گرفته می‌شوند.

اکنون می‌توان با ابتنا بر تصویر (۵)، پنج حوزه اصلی معنایی را به شرح زیر و در قالب تصویر (۶) شناسایی، گروه‌بندی، تعریف و کدگذاری کرد؛ نگارندگان، ترکیب واژگان زیر را با هدف متمایز کردن حوزه‌های اصل معنایی استخراج کرده‌اند، لذا نباید آن‌ها را معادل یک‌به‌یک واژگان انگلیسی مربوطه دانست. این در واقع تلاشی است برای تولید اصطلاحاتی اولیه با هدف یافتن معادل‌های فارسی در حوزه‌های معنایی شناسایی شده در متون انگلیسی‌زبان.

پیشینه: این حوزه معنایی مربوط به هنگامی است که تعمیم‌پذیری و نظریه مطرح نباشد. بنابراین در تصویر (۶)، برای تشریح اجزای تشکیل‌دهنده‌اش شاخه‌ای تعریف نشده است.

نمونه مثالی: این حوزه معنایی نیز مربوط به زمانی است که تعمیم‌پذیری و نظریه مطرح نباشد. اما شکل احیا شده این حوزه در قالب «مورد نظری/اقدامی» نوعی از امکان تعمیم و نظریه را فراهم کرده است. بنابراین در تصویر (۶)، برای تشریح اجزای تشکیل‌دهنده‌اش شاخه‌ای تعریف نشده و به‌چهره اول شاخه ۳ ارجاع داده شده است.

نمونه آماری: این حوزه، شاخه ادامه یافته همان نگاه «نمونه» در بستر علوم طبیعی است. این شاخه با ارتقای الگوریتم‌ها و نظام‌های نمونه‌گیری در قالب کلان‌داده‌های بلادرنگ و آزمون‌های آماری ناپارامتریک و هوش مصنوعی همچنان با بهره‌گیری از تصادفی بودن موجود در «نمونه»، در واقع همه تک «مورد»ها را نیز وارد محاسبات می‌کند. این کار اگر به‌صورت غیرترکیبی با سلطه تحلیل آماری انجام شود، راهبرد تحقیق از مطالعه‌موردی خارج و قالب سایر راهبردهای تحقیق را می‌گیرد. از این رو برای این شاخه عبارت «تحلیل نمونه آماری» یا به اختصار «نمونه آماری» مناسب به‌نظر می‌رسد (تصویر ۶، شاخه ۱).

مورد نظری: این حوزه حاصل فعالیت‌های شاخه‌ای از علوم انسانی است که راهبردش نوعی تقلید یا شبیه‌سازی آزمایش و «نمونه» مطرح در علوم طبیعی است. در این نگاه، فراهم کردن بیش‌ترین تنوع و امکان مقایسه بین «چندین مورد» از بررسی «تک مورد» ارجح است. البته

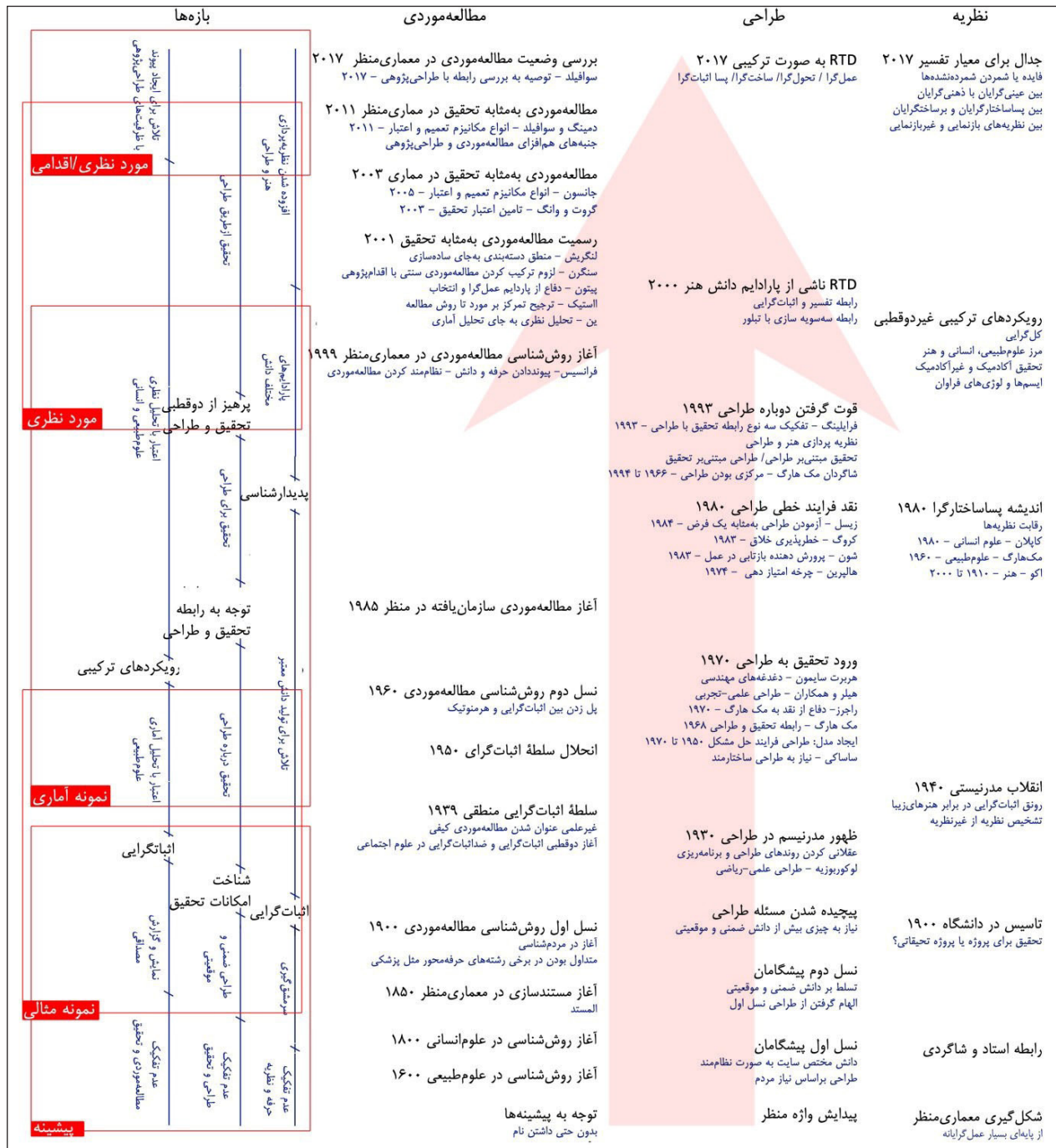
تحقیق سخت یا اصلی رسمیت یافت، اما از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ بود که روش‌شناسی مطالعه‌موردی تلاش کرد تا قویا به اتهام تعمیم‌ناپذیر بودن نتایج مطالعه‌موردی و به‌تبع قابل‌انکار نبودن آن به‌مثابه تحقیق علمی پاسخ دهد. در طی این سال‌ها، مطالعه‌موردی به‌عنوان رویکردی ترکیبی (کمی/کیفی) برای تحقیق درباره پدیده‌های پیچیده در بافتار واقعی، جایگاه خود را تثبیت کرد. از آن زمان تاکنون، مجموع این تلاش‌ها در راستای ترکیب معیارهای اثبات‌گرایی و هرمنوتیک به شرحی که در تصویر (۴) آمده نشان می‌دهد که در مطالعه‌موردی به‌تدریج الزام به «تعداد زیادی نمونه تصادفی با محقق خنثی و تعداد کمی متغیر از زاویه دید محدود آزمایشگاهی» جای خود را به «تعداد محدودی مورد هدفمند با محقق کاملاً فعال و تعداد زیادی متغیر و پیچیدگی موجود در زندگی واقعی» داده است. به‌طوری‌که امروز در معماری منظر به محققان توصیه می‌شود انجام مطالعه‌موردی به‌مثابه تحقیق، تنها مبتنی بر تحلیل آماری نباشد و علاوه بر آن، فراتر از تحلیل نظری به‌صورت ترکیبی برای آزمون و ساخت نظریه، به رابطه بدیع آن با طراحی پژوهی توجه شود (Swaffield, 2017; Dem-2017; Swaffield, 2011).

تطبيق و تحليل مبانی

در مبانی فوق، سیر پیدایش و تغییرات مهم‌هر یک از سه سرفصل «نظریه»، «طراحی» و «مطالعه‌موردی» در معماری منظر به تفکیک تشریح و به کمک فنون مقوله‌بندی و کدگذاری در قالب بازهای اصلی معنایی و زمانی، ترتیب‌بندی شد (تصاویر ۲-۴).

یافته‌های این بررسی نشان داد که از دید معماری منظر در سرفصل «نظریه» دو نقطه اصلی «اثبات‌گرایی» و «پدیدارشناسی» مطرح است. این ۲ نقطه، معانی را به ۳ بازه اصلی «قبل از اثبات‌گرایی»، «بعد از اثبات‌گرایی تا پدیدارشناسی» و «پس از پدیدارشناسی» تقسیم کرد و ۵ رخداد اصلی «عدم تفکیک حرفه و نظریه»، «سرمشق‌گیری»، «تلاش برای تولید دانش معتبر»، «پارادایم‌های مختلف دانش» و «افزوده شدن نظریه‌پردازی هنر و طراحی» را شامل شد. هم‌چنین از دید معماری منظر در سرفصل «طراحی» سه نقطه اصلی «شناخت امکانات تحقیق»، «توجه به رابطه تحقیق و طراحی» و «پرهیز از دو قطبی تحقیق و طراحی» مطرح است. این ۳ نقطه، معانی را به ۴ بازه اصلی تقسیم کرد و ۵ رخداد اصلی «عدم تفکیک طراحی و تحقیق»، «طراحی ضمنی و موقعیتی»، «تحقیق درباره طراحی»، «تحقیق برای طراحی» و «تحقیق از طریق طراحی» را شامل شد. و نیز از دید معماری منظر در سرفصل «مطالعه‌موردی» دو نقطه اصلی «اثبات‌گرایی» و «رویکردهای ترکیبی» مطرح است. این ۲ نقطه، معانی را به ۳ بازه اصلی تقسیم کرد و ۵ رخداد اصلی «عدم تفکیک مطالعه‌موردی و تحقیق»، «نمایش و گزارش مصداقی»، «اعتبار با تحلیل آماری علوم طبیعی»، «اعتبار با تحلیل نظری علوم طبیعی و انسانی» و «تلاش برای ایجاد پیوند با ظرفیت‌های طراحی پژوهی» را شامل شد.

اکنون با مقایسه و تطبیق بازه‌های موصوف در قالب تصویر (۵) می‌توان گروه‌های معنایی را شناسایی، تعریف، نام‌گذاری موقت (کد یا برچسب گذاری) نمود و در نهایت به کمک واژه‌های رایج در ادبیات موجود و قرابت‌یابی معنای، متناسب‌ترین عبارات برای هر کدام را مشخص کرد. تحلیل هم‌پوشانی‌ها نشان می‌دهد که «مطالعه کیفی تعداد محدودی نمونه به‌مثابه مثال» و «طراحی به‌عنوان یک خدمت یا کار» برای پاسخ به



تصویر ۵. تطبیق کرانه‌های نظریه، طراحی و مطالعه موردی.

تأکید بر انجام بررسی در بافتار واقعی با تمام پیچیدگی است. در این شاخه تعیین «واحدی برای تحلیل موردها»، قبل از جمع‌آوری داده‌ها برای مطالعه ضروری است. محقق باید بتواند روند تحقیق را کنترل کند و نتایج قابل تکرار باشند. یعنی در «مطالعه موردی» تمرکز توجه محقق بر چگونگی و شرایط «مطالعه» (Yin, 1994) است نه خود «مورد» (Stake, 1995). این شاخه پیوندی ترکیبی با روش‌های عینی برقرار می‌کند و به دنبال اصلاح آن و استفاده از فواید آن در کنار دیگر فواید ممکن است. از این رو برای این شاخه عبارت «تحلیل نظری مورد» یا به اختصار «مورد پژوهشی» یا «مطالعه موردی» مناسب به نظر می‌رسد

(تصویر ۶، شاخه ۲).
مورد نظری/اقدامی: این حوزه معنایی شامل شاخه‌ای است که حاصل نگاهی برآمده از ترکیب علوم انسانی، طبیعی و هنر است و از آزمایش و «نمونه» مرسوم در علوم طبیعی فاصله بیشتری می‌گیرد. به این معنا که بدون از پیش نظریه داشتن نیز می‌توان مقایسه را انجام داد و حتی «تک مورد» به خاطر تکینگی نسبت به «چند مورد» ارجح است. در این شاخه، تمرکز توجه محقق در «مطالعه موردی» بر شرایط و منطق انتخاب «مورد» است. آنچه در اینجا اهمیت دارد فهم تغییر و درگیر شدن جدی در فرآیند تحقیق است. از این رو، این شاخه نه ترکیبی امتدادی بلکه

نظریه است (به کمک دریافت و پذیرش یک پنداشت). از این رو برای چهره اول این شاخه، عبارت «مجموعه مصداق‌ها» یا به اختصار «نمونه موردی» و برای چهره دوم آن، عبارت «برون فکتی» یا «مورد پژوهی» مناسب به نظر می‌رسد.

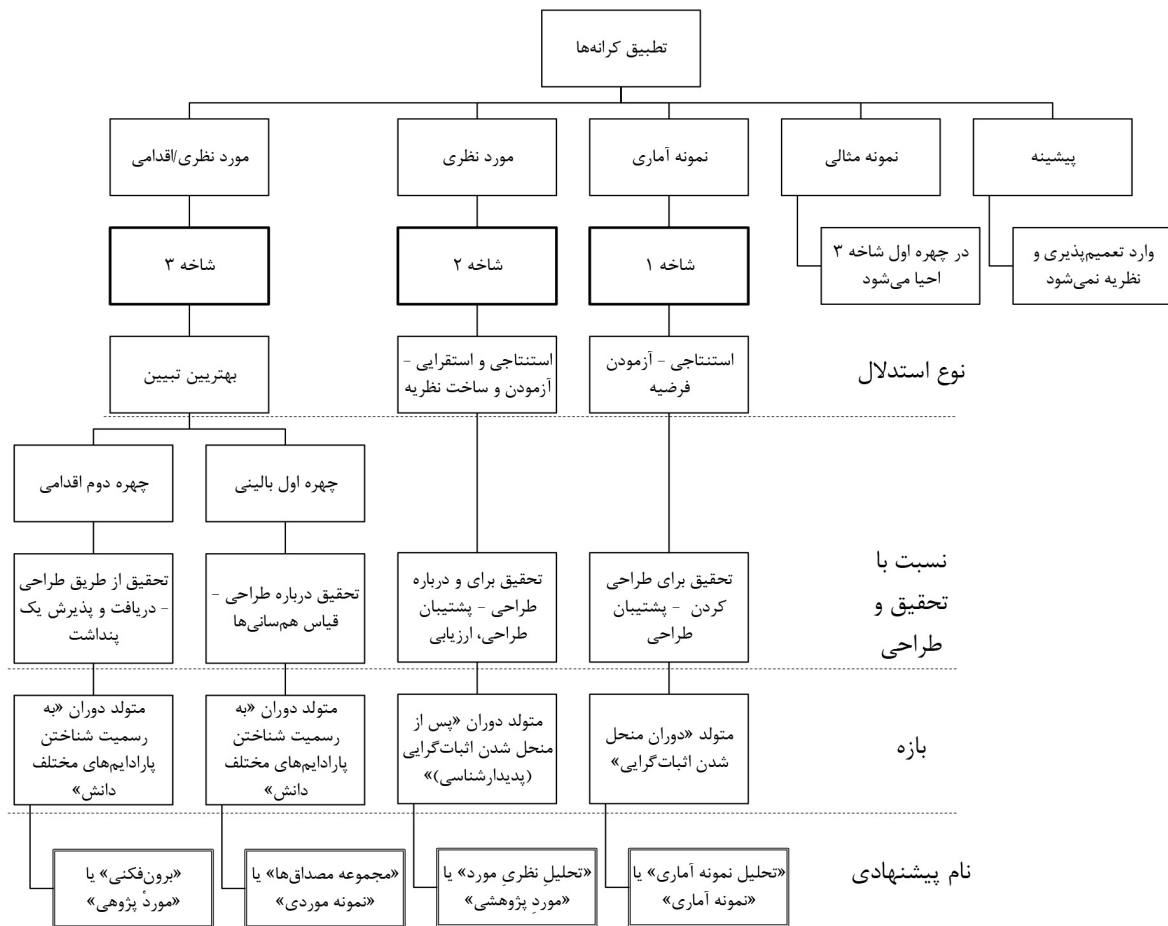
یافته‌های کتابخانه‌ای

یافته‌ها نشان می‌دهد «نمونه» مبتنی بر برگزیدنی تصادفی است. برگزیدنی که بتواند نماینده جامعه‌ای نرمال باشد و شناخت قانونی درباره آن به کل جامعه‌ای که نمونه‌اش است تعمیم یابد؛ ولی «مورد» مبتنی بر برگزیدنی هدفمند است. برگزیدنی که لزوماً نماینده یک جامعه نرمال نیست بلکه بیشتر مفهوم متفاوت از جامعه یا جزئی از کل را نمایش می‌دهد و شناخت از آن نه به شکل آماری بلکه به شکل نظری تعمیم می‌یابد. مکانیزم‌های تعمیم نظری شکل‌های مختلفی دارد که برخی از آن‌ها از سطح نظری عبور کرده و مبتنی بر تغییرات وجودی هستند. بر اساس این تفکیک معنا و توجه به سیر پیدایش و تغییرات کرانه‌های «نظریه»، «طراحی» و «مطالعه موردی» تاکنون (تصاویر ۵ - ۶)، به کمک قرابت‌یابی معنایی، معنای برخی از رایج‌ترین اصطلاحات مطالعه موردی به شرح جدول (۱) پیشنهاد می‌شود.

اصطلاحاتی که «مورد» را به مثابه یک «تفاوت»، «شرایط خاص» و «نامعلومی برای قابل رویت کردن یک کل جدید» نمایش می‌دهند در ترکیبی یکپارچه با اصطلاحاتی چون «طراحی» یا «پژوهی» (که بیشتر

سنتز یا ترکیبی اشتدادی است^{۲۲} که ایده‌آل‌های یک تحقیق عینی را به چالش می‌کشد، چراکه علاوه بر عینیت، به افراد، اخلاق و غیره هم می‌پردازد و به همین دلیل به شکلی مثبت تحت تأثیر تفاوت نگاه است. از این جهت، این شاخه با دوران پیش از سلطه اثبات‌گرایی شباهت‌هایی پیدا می‌کند، اما چون صورت نظری اشتدادی دارد، با آن دوران یکی نیست (تصویر ۶، شاخه ۳).

در این شاخه سوم، بر اساس تفاوت تحقیق «بالینی» و «کنشی» که اِسَوَنگرن (Svengren, 1993) برای توضیح تفاوت مطالعه موردی «سنتی» و «ادغامی» ارائه کرده است می‌توان دو چهره متفاوت را تشریح کرد. «بالینی» و «کنشی» هر دو مسئله‌محور، دارای عمل و متناسب با شرایط و مشارکت منحصر به فرد محقق هستند که وظیفه محقق در هر دو، رساندن دانش ضمنی به دانش صریح است. بنابراین فاعل‌شناسا نقش زیاد و مهمی در کیفیت انجام تحقیق دارد اما در بالینی «نیاز مخاطب»، و در کنشی «نیاز توسعه دانش» اول است. متناسب با این تفاوت، چهره اول، احیای دنیای شبیه به قبل از سلطه اثبات‌گرایی است که مستقیم وارد تعمیم‌پذیری نمی‌شود بلکه به صورت باواسطه، عملکرد خزانه رفتار^{۲۳} دارد. چهره دوم، احیای دنیای شبیه به پس از منحل شدن اثبات‌گرایی است و تعمیم‌پذیری آن نه نظری، بلکه وجودی^{۲۴} است. بنابراین طبق دسته‌بندی جانسون (Johansson, 2003)، چهره اول، تعمیم طبیعی مورد به مورد (به کمک نوعی قیاس همسانی‌ها باهم) و چهره دوم، سنتزی از مورد با



با فراوانی کم‌تر از ۱ درصد، تفاوت مورد و نمونه را منوط به اجرا شدن یا نشدن می‌دانستند.

دایره واژگانی که پاسخ دهندگان اشاره کردند بر اساس فراوانی به ترتیب عبارت‌اند از نمونه موردی (۴۶/۸۷٪)، مورد مطالعاتی (۱۲/۵٪)، نمونه مشابه (۹/۳۷٪)، پرسیدنسز [یا پیشینه‌ها] (۶/۲۵٪)، مطالعه موردی (۶/۲۵٪)، مورد پژوهی (۶/۲۵٪)، نمونه تحقیق (۳/۱۲۵٪)، نمونه اجرا شده (۳/۱۲۵٪)، پروژه‌های مشابه (۳/۱۲۵٪) و مورد مطالعه الگو و غیره اشاره ای نشد. از میان پاسخ دهندگان ۳۵ درصد ابراز داشتند که با مفهوم «طراحی پژوهی» آشنا هستند. در این پاسخ‌ها تفاوت معنا داری بین پاسخ دهندگان مقاطع تحصیلی مختلف نبود. این یافته نشان می‌دهد که ۶۵ درصد پاسخ دهندگان با مطالعات متاخر انگلیسی زبان در زمینه روش تحقیق حوزه هنر آشنا نیستند.

در میان پاسخ دهندگان پنج نوع نقص درباره شیوه انجام مطالعه موردی شناسایی شده است که به ترتیب بر اساس فراوانی عبارت‌اند از سطحی انجام دادن (۳۴/۶۱٪)، نبود اطلاعات مورد نیاز ایرانی و خارجی (۳۰/۷٪)، کپی کردن (۱۵/۳۸٪)، ضعف در انتخاب مورد (۱۱/۵۳٪)، ندیدن اجرای پروژه‌ها (۷/۶۹٪). در نهایت بر اساس واژگان و دوره‌های پیشنهادی که بر اساس تحلیل محتوا انجام شده است (جدول ۱)، واژه‌های پیشنهادی به درصد‌های زیر به صورت حدودی بر اساس دوره و معنا منطبق تشخیص داده شده‌اند (جدول ۲).

بر اساس جدول (۲) می‌توان سه وضعیت را تفکیک کرد. وضعیت یک، درباره معنای پیشنهادی برای واژه به صورت بین الاذهانی توافق نسبی بوده و با دوره آن نیز آشنایی وجود داشته است (واژه «پیشینه»).

نمایش دهنده وضعیت فعل هستند تا اسم) به حوزه‌ای نزدیک است که به فاصله بین تحقیق و طراحی قائل نیستند. معماری منظر تاکنون برای تقویت توان خود به مثابه یک دیسیپلین، اصطلاحات ترکیبی از جنس «نمونه» را آسیب‌شناسی کرده و اکنون به دنبال شکل‌های بدیعی از ترکیب‌های «مورد پژوهی/طراحی پژوهی» است.

یافته‌های میدانی

پاسخ دهندگان ۲۱ درصد دانشجو و دانش آموخته دکتری و ۷۸ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد بوده‌اند. در پاسخ‌ها مشخص شد تنها ۱۷/۵ درصد از پاسخ دهندگان، مطالعه موردی را بیش از فعالیتی صرفاً آموزشی میدانند و آن را راهبردی برای تحقیق تلقی می‌کنند. در این پاسخ‌ها تفاوت معنا داری بین پاسخ دهندگان مقاطع تحصیلی مختلف نبود.

از میان پاسخ دهندگان ۴۷/۸۲ درصد تفاوتی بین دو مفهوم «نمونه» و «مورد» قائل نبودند. از میان ۵۲/۱۸ درصدی که بین این دو مفهوم تفاوت قائل بودند، ۵ گروه مختلف قابل تفکیک است. گروه نخست با فراوانی ۳۳/۳ درصد «نمونه» را معادل مفهوم «شاخص» یا «برتر» یعنی مفهومی نزدیک به الگو می‌دانند. گروه دوم با فراوانی ۱۶/۶ درصد به تفاوت دو مفهوم بر اساس نتایج مطالعات تحلیل محتوا این تحقیق تا حدودی به درستی اشاره کرده اند ولی به طور برعکس. یعنی ویژگی‌های نمونه را برای مورد و مورد را برای نمونه مطرح کردند. با توجه به نتایج مطالعات تحلیل گفتمان این تحقیق گروه سوم با فراوانی ۱۶/۶ درصد معنای مورد و نمونه را به جای همدیگر ذکر کردند. گروه چهارم با فراوانی ۲۵ درصد تفاوت نمونه با مورد را در شباهت داشتن یا نداشتن نمونه یا مورد به مسئله مورد نظر دانستند. به این ترتیب که برخی شباهت داشتن را برای نمونه بودن و برخی دیگر شباهت داشتن را برای مورد بودن شرط گرفتند. گروه پنجم

جدول ۱. خلاصه تطابق‌های ترکیبات «نمونه» و «مورد» با طراحی پژوهی در معماری منظر.

اصطلاح	حوزه معنایی	نقد مربوط	نسبت با طراحی پژوهی	کرانه‌ها از نگاه معماری منظر
پیشینه‌ها	رابطه استاد شاگردی	نظام‌مند نبودن	به طراحی مربوط است نه تحقیق	پیش از مطرح شدن اثبات‌گرایی
نمونه موردی	استفاده از نمونه برای نمایش مصداقی	کندی تعمیم‌پذیری	تحقیق درباره طراحی	پیش از سلطه اثبات‌گرایی
نمونه آماری	استفاده از نمونه برای تحلیل آماری	حذف تفاوت‌ها	تحقیق برای طراحی	سلطه اثبات‌گرایی تا منحل شدن آن (علوم طبیعی)
مورد پژوهشی یا مطالعه موردی	استفاده از مورد برای تحلیل نظری	اشتراکی بودن در ساختار مسلط	تحقیق درباره و برای طراحی	مطرح شدن پدیدارشناسی (ترکیب علوم طبیعی و انسانی)
مورد پژوهی	استفاده از مورد برای تغییر و جودی	جنگ درباره معیار اعتبار	تحقیق از طریق طراحی	رسمیت پارادایم‌های مختلف دانش (ترکیب علوم طبیعی، انسانی و هنر)

جدول ۲. میزان توجه‌پذیری واژگان پیشنهادی نزد پاسخ دهندگان.

واژه	تطابق دوره	تطابق معنا
پیشینه	۵۶/۵۲٪	۵۲/۱۷٪
مورد پژوهشی یا مطالعه موردی	۴۷/۸۲٪	۳۴/۷۸٪
نمونه آماری	۴۷/۸۲٪	۷۳/۹۱٪
مورد پژوهی	۴۳/۴۷٪	۷۳/۹۱٪
نمونه موردی	۳۴/۷۸٪	۵۶/۵۲٪

توضیح: اگر شاخص ۵۰٪ لحاظ شود، رنگ سبز و قرمز نمایش دهنده وجود یا عدم وجود تطابق است.

استفاده می‌کند. یعنی بین مورد و نمونه تفاوت معنایی وجود دارد اما تنها نیمی از پاسخ دهندگان تفاوت قائل بودند (۴۷/۸۲٪) و از این بین تنها بخش اندکی نوع تفاوت را صحیح و منطبق با یافته‌های کتابخانه‌ای پاسخ دادند (۱۶/۶٪).

سوم، اصطلاحاتی که نمونه را به مثابه «مصادقی برای مثال زدن گزاره‌ای از پیش معلوم» یا «نماینده یک وضعیت یکسان» نمایش می‌دهند در ترکیب با اصطلاحاتی چون «تحقیق» و «مطالعه»، به حوزه معنایی نزدیک است که به وجود فاصله و اولویت داشتن تحقیق بر طراحی قائل هستند. از میان واژگان پیشنهادی نگارندگان (جدول ۱) به منظور نام‌گذاری گروه‌های معنایی مختلف، برای معنای «نمونه آماری»، «مورد پژوهی» و «نمونه موردی» توافقی بین الازدهانی وجود دارد ولی این توافق عمیق نیست و وضوح روش شناختی و نظری لازم را ندارد. برای واژه «پیشینه» به طور نسبی تطابق معنایی و یا دوره‌ای وجود داشته است. برای واژه «مورد پژوهشی» یا «مطالعه موردی» نه تطابق معنایی و نه دوره‌ای وجود نداشته است.

با توجه به محدود بودن واژه‌هایی که پاسخ دهندگان عنوان کرده‌اند و عدم انسجام تفاوت معنای نمونه و مورد می‌توان نتیجه گرفت جریان فراگیر روش شناختی وجود نداشته است. از طرفی چون «سطحی انجام دادن» و «کپی کردن» فراوان‌ترین مشکل استفاده از مورد یا نمونه عنوان شده است، می‌توان نتیجه گرفت وضعیت جاری، از میان پنج سطح ممکن (جدول ۱) برای عمل از طریق نمونه یا مورد، سطح نخست محسوب می‌شود. به تبع شکل‌گیری و تشخیص واژه‌هایی بین الازدهانی، دشوار و نیازمند مقدمات و کارهای پژوهشی و کاربردی مختلف است.

هر چند تاکنون بر روی مسئله مطالعه موردی به صورت پراکنده تحقیق شده و برخی نقص‌ها و راه حل‌ها به دست آمده ولی درباره واژگان، یافته‌ها همچنان محدود است. اکنون نیاز به شبکه‌شدن محققان و انجام کار میدانی مستمر همراه با آموزش و تبادل نظر است. می‌بایست از ساده‌گرفتن بررسی نمونه یا مورد اجتناب کرد و برای آن برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری نمود. چراکه این توان در نمونه یا مورد وجود دارد که در هر درسی یا تجربه‌ای به شکل و روشی متفاوت حضور یابد. نتایج، هم‌سو با تحقیقات گذشته همچنان نشان‌دهنده وجود ضعف در این حوزه است و اگرچه تفکیک معنا و واژه‌های پیشنهادی نتوانست توافقی بین الازدهانی را کسب نماید ولی پایه‌ای برای پرداختن به تفاوت نمونه و مورد را مطرح می‌کند که می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش‌های بعدی باشد.

در وضعیت دوم نه معنا و نه دوره با آنچه پیشنهاد شده است تطابق نداشته (واژه «مورد پژوهشی» یا «مطالعه موردی»). وضعیت سوم، معنای بر خیشان با درصد بالایی نزد پاسخ دهندگان بین الازدهانی بودند (مانند واژه «نمونه آماری» ۷۳/۹۱٪) ولی دوره‌های آن‌ها به درستی تشخیص داده نمی‌شدند (مانند واژه «نمونه آماری» ۴۷/۸۲٪). وضعیت چهارم، که معکوس وضعیت سوم است، برخی واژگان با درصد کمی معنایشان نزد پاسخ دهندگان بین الازدهانی است ولی با دوره‌های آن‌ها آشنایی بیشتری وجود دارد (هیچ واژه‌ای نبود).

نتیجه

نتایج نشان می‌دهد که نزد دانشجویان، هنگام به‌کاربردن اصطلاح «نمونه موردی»، بدون توجه به تفاوت‌گذاری معنایی، حداقل به چهار گروه معنایی متفاوت اشاره می‌شود. از این چهار گروه، گروه نخست به حوزه آموزش مربوط است و نه تحقیق و واژه‌های پرسیدنیسز و آگزامپل که مبتنی بر تشابهات عین‌به‌عین هستند در این گروه جای می‌گیرند. گروه دوم به حوزه تحقیق مرتبط با علوم طبیعی مربوط است که واژگان تایپولوژی^{۲۵}، تاکسونومی^{۲۶} و سَمپل (نمونه) که می‌توانند از طریق تحلیل آماری تعمیم یابند در آن قرار می‌گیرند. گروه سوم به حوزه تحقیق مرتبط با علوم اجتماعی مربوط است و واژه کیس (مورد) استادی که می‌تواند از طریق تحلیل نظری یا ترکیبی (آماري-نظري) تعمیم یابد متعلق به این گروه است. گروه چهارم در ارتباط با حوزه تحقیق در هنرها است که در حال حاضر در منابع انگلیسی زبان نیز جدید است و واژه‌هایی مانند آرکیولوژی^{۲۷} و توپولوژی^{۲۸} و هم‌چنین شیوه‌هایی خاصی از کیس استادی در سایه پارادایم اِمَنسپِتری^{۲۹} در آن قرار می‌گیرد. نوع تعمیم واژگان گروه چهارم به کلی متفاوت از گروه‌های قبلی است و مبتنی بر میزان درگیری یا ادغام محقق و موضوع تحقیق می‌باشد.

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد، اول، مواجهه با نمونه یا مورد فراتر از یک «تحقیق برای پروژه» (یعنی رفتاری آموزشی)، دارای ظرفیت انجام «پروژه تحقیقاتی» (یعنی رفتاری پژوهشی) است. اما بخش کمی از پاسخ دهندگان به رفتار پژوهشی توجه دارند (۱۷/۵٪). دوم، شیوه استفاده از نمونه با مورد متفاوت است. دلیل این تفاوت، منطق «انتخاب تصادفی و نماینده جامعه زمال بودن»، «نقش کم محقق به‌مثابه فاعل شناسا» و «ظرفیت کمتر آن برای ادغام با طراحی پژوهی» «نمونه»، در مقایسه با «مورد» است که از منطق «انتخاب هدفمند و حفظ گوناگونی»، «ضرورت حضور پررنگ فاعل شناسا» و «ظرفیت بیشتر برای ادغام با طراحی پژوهی»

- | | |
|--|----------------|
| 13. Verb. | 14. Noun. |
| 15. Design Research: Research About Design, Research for Design, Research by (Through) Design. | |
| 16. Engaged. | 17. Abduction. |
| 18. Randomness. | 19. Causation. |
| 20. Statistics And Probability Theory. | |
| 21. Teleological Causation. | |

۲۲. در ترکیب امتدادی، اگرچه عناصر با هم ادغام می‌شوند ولی منجر به تغییر فازی (کل طبیعی ترکیب حاصل از هم‌افزایی اجزا) نمی‌شوند. امری که در سنتز یا ترکیب اشتدادی رخ می‌دهد و رابطه ورودی و خروجی به کلی می‌تواند دچار تغییر شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 1. Sample. | 2. Example. |
| 3. Precedents. | 4. Case. |
| 5. Case Study. | 6. Project research. |
| 7. research Project. | 8. idiographic. |
| 9. nomothetic. | 10. precedents. |
| 11. Case Study. | |

۱۲. برساختی (constructive) یعنی معنا هم‌زمان با قصد، فعل و شرایط فاعل شناسا و زمینه رخ می‌دهد و می‌شود نه آنکه مستقل از فاعل شناسا و زمینه به‌صورت مستقل از پیش باشد.

literature review of case study research. *Design Studies*, 64, 154-168. <https://doi.org/10.1016/j.destud.2019.07.002>

Deming, M. E., & Swaffield, S. (2011). *Landscape architectural research: inquiry, strategy, design*. Wiley press.

Francis, M. (1999). *A case study method for landscape architecture*. University of California and ASLA foundation.

Giro, C., Freytag, A., Kirchengast, A., & Richter, D. (Eds.) (2013). *Topology: Topical thoughts on the contemporary landscape*. Jovis.

Groat, L., & Wang, D. (2013). *Architectural research methods* (2nd ed.). John Wiley & Sons, Inc.

Johansson, R. (2003). Case study methodology. A key note speech at the International Conference "Methodologies in Housing Research". *The Royal Institute of Technology in cooperation with the International Association of People-Environment Studies*, Stockholm. <https://id.scribd.com/document/131396105/Case-Study-Methodology>

Langrish, J. (1993). Case studies as a biological research process. *Design Studies*, 14(14), 357-364. [https://doi.org/10.1016/0142-694X\(93\)80012-2](https://doi.org/10.1016/0142-694X(93)80012-2)

Lenzholzer, S., Duchhart, I., & Van den Brink, A. (2017). The relationship between research and design. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 54-64). Routledge.

Meyer, E. (1997). The expanded field of landscape Architecture. In S. Swaffield (Ed.), *Theory in landscape architecture: a reader*. University of Pennsylvania press.

Sarvimaki, M. (2018). *Case study strategies for architects and designers*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315707693>

Stake, R. E. (1995). *The art of case study research*. Sage publications, Inc.

Svengren, L. (1993). Case Study methods in design management research. *Design Studies*, 14(4), 444-456. [https://doi.org/10.1016/0142-694X\(93\)80017-7](https://doi.org/10.1016/0142-694X(93)80017-7)

Swaffield, S. (2002). *Theory in landscape architecture: a reader*. University of Pennsylvania press.

Swaffield, S. (2017). Case study. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 105-119). Routledge.

Thompson, I. H. (2017). The role of theory. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 37-53). Routledge.

Tobi, H., & Van den Brink, A. (2017). A process approach to research in landscape architecture. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 24-34). Routledge.

Van den Brink, A., Bruns, D., Tobi, H., & Bell, S. (2017). *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315396903>

Yin, R. K. (1994). *Case study research, Design and methods*. Sage Publications, Inc.

23. Repertoire.

25. Typology.

27. Archaeology.

29. Emancipatory.

24. Existential.

26. Taxonomy.

28. Topology.

فهرست منابع

خزاعی، فاطمه؛ خالویی، محبوبه (۱۳۹۵). نمونه قبلی: زمینه‌ساز خلاقیت یا تقلید در طراحی منظر. *نشریه منظر*، ۸(۳۷)، ۱۴-۲۱.

https://www.manzar-sj.com/article_47211.html

سلطانی، مهرداد؛ منصوری، سید امیر و فرزین، احمدعلی (۱۳۹۱). تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. *نشریه باغ نظر*، ۹(۲۱)، ۱۲-۳. https://www.bagh-sj.com/article_1698.html

علی‌پور، لیلا؛ فیضی، محسن؛ محمدمردادی، اصغر و اکرمی، غلامرضا (۱۳۹۵). برداشت صحیح از نمونه‌ها در ایده‌پردازی معماری. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲۱(۳)، ۸۱-۹۰.

<https://doi.org/10.22059/JFAUP.2016.61104>

گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید (۲۰۱۳). روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علی‌رضا عینی‌فر (۱۳۹۱). انتشارات دانشگاه تهران.

محمودی، سیدامیرسعید و ذاکری، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). استخراج دانش کاربردی از پیشینه‌ها و تأثیر آن بر خلاقیت در طراحی معماری. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۳(۴۷)، ۳۹-۵۰.

<https://doi.org/20.1001.1.22286020.1390.3.47.4.0>

محمودی، سیدامیرسعید؛ ناری‌قمی، مسعود (۱۳۹۳). «ارزیابی پس از بهره‌برداری» یک هدف و یک وسیله آموزشی در معماری. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۱۹(۱)، ۷۱-۸۲.

<https://doi.org/10.22059/JFAUP.2014.55379>

ملک‌افضلی، علی‌اصغر (۱۳۹۹). شناسایی و سنجش فنون رایج در «مطالعه موردی برای طراحی معماری». *نشریه صفا*، ۳۰(۳)، ۲۵-۳۶.

<https://doi.org/10.29252/soffeh.30.3.25>

هاشمی‌زادگان، سیدامیر (۱۳۹۵). مطالعه موردی: پیوند حرفه و دانش در معماری منظر؛ تجربه بنیاد معماری منظر آمریکا. *نشریه منظر*، ۸(۳۴)، ۲۶-۳۷. https://www.manzar-sj.com/article_16647.html

هاشمی‌زادگان، سید امیر (۱۳۹۷). برداشت صحیح از پیشینه‌های معماری منظر برای تولید دانش. *نشریه منظر*، ۱۲(۵۱)، ۵۸-۶۷.

<https://doi.org/10.22034/manzar.2020.226684.2060>

Armstrong, H. (2000). Design as research: Creative Works and the Design Studio as Scholarly Practice. *Architectural Theory Review*, 5(2), 1-13. <https://doi.org/10.1080/13264820009478396>

Boano, C. (2017). *The ethics of a potential urbanism. Critical encounters between Giorgio Agamben and Architecture*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315542218>

Bruns, D., Van den Brink, A., Tobi, H., & Bell, S. (2017). Advancing landscape architecture research. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 11-23). Routledge.

Corner, J. (1990). Origins of Theory. In S. Swaffield (Ed.), *Theory in landscape architecture: a reader* (pp. 19-20). University of Pennsylvania press.

Corner, J. (1992). Representation and Landscape. In S. Swaffield (Ed.), *Theory in landscape architecture: a reader* (pp. 144-164). University of Pennsylvania press.

-Crilly, N. (2019). Creativity and fixation in the real world: A

